



یادداشت

رمز گشایی از (سپردن کار مردم به مردم)

صادق کار



ده‌ها سال است که عده معینی از جریان‌های سیاسی و خیلی از مقامات حکومتی هر از چند گاهی که می‌خواهند حقی را از اکثریت مردم بگیرند و آن را در اختیار عده‌ای قلیلی از فرادستان جامعه که خودشان بخشی از آنها هستند قرار بدهند از عنوان فریبنده (سپردن کار مردم به مردم) استفاده می‌کنند.

بویژه زمانی که بحرانی پیش می‌آید نخبگان فرادستان که از قدرت و نفوذ سیاسی و اقتصادی و امکانات رسانه‌ای زیادی برخوردارند، همگی به صف می‌شوند تا با استفاده از فرصت بحرانی اهداف طبقات فرادست را زیر عنوان سپردن امور به دست مردم پیش ببرند و غالب اوقات هم موفق به این کار می‌شوند.

اخیرا نیز که جنگ ناهنجاری‌های اقتصادی اجتماعی را تشدید کرده است این شعار خوش ظاهر و فریبنده موضوع و چاشنی رسانه‌های عمدتاً طرفدار سپردن حداکثر امور جامعه به فرادستان گردیده و بهر بهانه‌ای آن را چون نوشته کتاب‌های مقدس که قابل تغییر و تفسیر نیستند مطرح می‌کنند و سبب همه‌ی مشکلات را ندادن تمام اختیارات به بازار و بازاریان عنوان می‌کنند.

سپردن امور مردم به خود مردم اگر منظور همه‌ی مردم باشد، البته حرفی نیست که هیچ بنی بشری غیر از آنهایی که آنرا طلب می‌کنند با اصل قضیه مخالف باشد. منظور از این شعار اما همه‌ی مردم نیستند بلکه طبقات ثروتمند هستند که همیشه بیشترین سهم از قدرت اقتصادی و سیاسی را در اختیار داشته‌اند.

تا کنون نیز تحت لوای این مطالبه هر حرکتی چه در حوزه سیاسی و اقتصادی و غیره رخ داده است نتیجه‌ای جز محروم کردن عملی طبقات و اقشار مزدبگیر و فرودست و افزایش قدرت و ثروت اقلیت کوچکی در بر نداشته است. نهادهای حکومتی نیز از مجالس مختلف و دولت گرفته تا دستگاه قضایی و نظامی و شورای نگهبان عملکردشان نشان می‌دهد که خود یا بخشی از طبقات فرادست بوده‌اند و یا نقش کارگزار آنها را ایفا کرده‌اند.



قوانین تبعیض آمیز موجود، فساد نهادینه شده در حکومت، سرکوب و اعدام مخالفین و منتقدین، بحرانهای متعدد، بی قانونی و فقر و فلاکت روز افزون و...همگی بخشی از انحصار قدرت طبقات فرا دست است که هیچ اعتقاد و علاقه‌ای به سپردن امور مردم به خود آنها به مفهوم واقعی آن ندارند و بدنبال انحصاری کردن هرچه بیشتر ثروت و قدرت هستند. مردم فقط سرمایه دارانی که با استفاده از رانت و پشتیبانی نیروی سرکوب همه قدرت و ثروت کشور را به قیمت فقیر و گرسنه کردن اکثریت از آن خود کرده‌اند، نیستند. کارگران، معلمان، پرستاران کارکنان دولت و همه‌ی مزد و حقوق بگیران و بازنشستگان، روستائیان و حاشیه نشینان که فغان شان از بی عدالتی و بی پناهی و بی حقوقی عالمگیر شده است نیز نه تنها جزئی بلکه اکثریت مردم هستند که از آنها سلب قدرت شده است.

تا کنون دیده یا شنیده‌اید که جماعت طرفدار (سپردن امور به مردم) ذره‌ای در رفتار، قوانین و رفاه اکثر جمعیت کشور کاری ولو کوچک کرده باشند، خیر، مطلقاً نکرده‌اند و اگر کسی هم پیدا شده که خواسته ب در این جهت قدمی بردارد، روزگارش را سیاه کرده‌اند.

از نظر این جماعت مردم تجار، دلالها، سرمایه داران نوکیسه رانتخوار و سرکردگان دستگاه سرکوب امثال جنایتکارانی مانند اژه‌ای ها و رادان ها هستند که هر روز عده‌ای از جوانان نخبه و آزادیخواه این کشور را با بستن اتهامات واهی به قتل می رسانند. این اعمال همگی خلاف سپردن امور به مردم است که این جماعت اعتراضی جدی به آن نمی کنند. .

سپردن امور به مردم در نظام های دیکتاتوری و سرکوبگر ممکن و میسر نیست، وجود چنین رژیمی اساساً خود نافی این شعار است. سپردن امور به مردم تنها در یک حکومت دمکراتیک مردمی باورمند به عدالت اجتماعی قابل تحقق است. واقعیت آن است اینهایی که لاف سپردن امور به مردم را می زنند به راستی با یک نظام دمکراتیک که بخواهد سپردن امور به همه ی مردم را عملی کند، سر ناسازگاری دارند.

بی عدالتی گسترده موجود بخشا نتیجه منفع طلبی این جماعت است و ثروتهای نجومی آنها محصول حمایت شان از رژیم دیکتاتوری است. در کشوری که کارگر و معلم را بخاطر فعالیت سندیکایی تا ده سال به زندان محکوم می کنند و اتحادیه های کارفرمایی سالهاست که بواسطه نفوذ در نهادهای حکومتی هیچ حقوقی برای کارگر و مزد و حقوق بگیر باقی نگذاشته‌اند، طرح شعار سپردن امور به مردم عین فریبکاری و منفعت طلبی حداکثری توسط اقلیت کوچکی است که در هر حال و شرایط فقط به افزایش قدرت و ثروت خود به هر قیمتی می اندیشد و مرزی در این راه برای خود قائل نیستند. رفتار امروز و دیروز این جماعت با کارگرانی که در اثر استثمار آنها بر ثروت خود افزوده‌اند، گویا تر از هر تعبیر و تفسیری است.

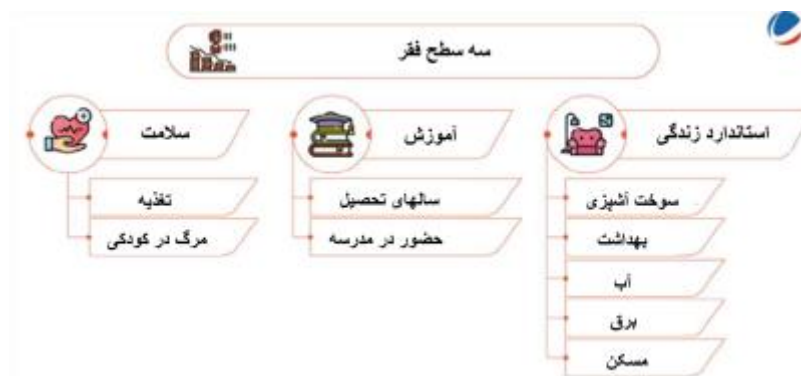
همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!



متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

فقر و نابرابری - بخش چهارم

برگرفته از "خدمات اداری هند"، Vision IAS



1.3 فقر چندبعدی

فقر تنها به معنای سختی اقتصادی نیست، بلکه سایر جنبه های زندگی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد و مانع رشد همه جانبه افراد فقیر می شود. برخلاف معیار بانک جهانی برای سنجش "فقر مطلق" که بر درآمد کمتر از 2.15 دلار در روز تمرکز دارد، شاخص جهانی فقر چندبعدی (Multidimensional Poverty Index: MPI) درکی عمیقتر و دقیقتر از فقر ارائه می دهد و فقر "حاد" را از طریق محرومیت های همپوشان ارزیابی می کند. این شاخص مکمل اندازه گیری های فقر درآمدی است، زیرا محرومیتها را به طور مستقیم سنجیده و مقایسه می کند.

برخی محدودیت های شاخص فقر چندبعدی

- شاخصها ممکن است توانایی های واقعی افراد را منعکس نکنند، بلکه به جای آن، برون داده ها (مانند سالهای تحصیل) یا درون داده ها (مانند سوخت آشپزی) را نشان دهند.
- داده های بهداشتی گردآوری شده دارای محدودیتهایی هستند و محرومیت برخی گروه ها، به ویژه در حوزه تغذیه، را نادیده می گیرند.



- نابرابریهای درون خانوادگی ممکن است شدید باشند، اما این نابرابریها به ندرت در شاخص بازتاب می‌یابند.
- این شاخص نابرابری میان افراد فقیر را اندازه‌گیری نمی‌کند، هرچند می‌توان از تجزیه و تحلیل‌های گروهی برای آشکارسازی نابرابریهای مبتنی بر گروه استفاده کرد.

شاخص جهانی فقر چندبعدی (Global MPI)

- این شاخص توسط ابتکار آکسفورد
- برای فقر و توسعه انسانی (OPHI) و برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) تهیه و منتشر می‌شود. شاخص جهانی فقر چندبعدی در نمودار زیر ترسیم شده است.
- این شاخص از درآمد به عنوان تنها معیار فقر پا را فراتر می‌گذارد. این شاخص محرومیت‌های به هم پیوسته مرتبط با اهداف توسعه پایدار (SDGs) را ارزیابی می‌کند و بر 3 بعد کلیدی تمرکز دارد: سلامت، آموزش و استاندارد زندگی. این سه بعد به نوبه خود شامل 10 شاخص برای سنجش جامع ماهیت چندبعدی فقر اند.
- این شاخص هم شیوع و هم شدت فقر را اندازه‌گیری می‌کند.
 - شاخص MPI فقر را در سطح فردی ارزیابی می‌کند. اگر فردی از 3 شاخص از 10 مورد فوق‌الذکر محروم باشد، شاخص جهانی او را "فقیر" شناسایی می‌کند و میزان یا شدت فقر آن فرد را با درصد محرومیت‌هایی که او تجربه می‌کند، می‌سنجد.
- این شاخص می‌تواند برای ایجاد تصویری جامع از افراد در فقر استفاده شود و مقایسه را، هم در سطح کشورها و مناطق جهانی و هم در داخل کشورها، بر اساس گروه قومی، مناطق شهری و روستایی، مناطق زیرملی، گروه‌های سنی و سایر ویژگیهای کلیدی خانوار و جامعه ممکن می‌سازد.

یافته‌های مربوط به هند در گزارش جهانی فقر چندبعدی سال 2023

4 میلیون نفر در دوره 2005-2006 تا 2019-2021 از فقر خارج شدند.
به 16.4 درصد در سال 2019-2021 کاهش یافت.

- در این بازه زمانی محرومیت در تمام شاخصها کاهش یافت.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!.

کمیته‌های همیاری را در محل‌های کار و محلات تشکیل دهیم!.



زنان سرپرست خانوار

بهبود فدایی



بخش دوم

مشکلات زنان سرپرست خانوار در محیط کار

زنان سرپرست خانوار در محیط کار ایران با مجموعه‌ای گسترده و پیچیده از مشکلات مواجه هستند که نه تنها فرصت‌های شغلی آنان را محدود می‌کند، بلکه به شکل مستقیم بر کیفیت زندگی، سلامت روانی و توانایی آنان برای تأمین معیشت خانواده تأثیر می‌گذارد. این مشکلات را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد

الف) تبعیض در استخدام و اولویت‌های شغلی

تبعیض جنسیتی در مرحله استخدام، نخستین و شاید تأثیرگذارترین مانع پیش روی زنان سرپرست خانوار برای ورود به بازار کار است. بر اساس گزارشی که دیده‌بان حقوق بشر منتشر کرده، «قوانین ایران تبعیض علیه زنان در محل کار را ممنوع می‌کند، اما این شامل استخدام یا ارتقای شغلی نمی‌شود». این خلأ قانونی عملاً به کارفرمایان اجازه می‌دهد تا بدون ترس از مجازات، زنان را از فرصت‌های شغلی محروم کنند

تحلیل دیده‌بان حقوق بشر از بیش از ۷ هزار موقعیت شغلی تبلیغ‌شده در سه آزمون ورودی خدمت دولتی نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد آنها ترجیح استخدام مرد را ذکر کرده‌اند و تنها ۵ درصد از ترجیح استخدام زنان نوشته بودند. این آمار به وضوح نشان‌دهنده تبعیض سیستماتیک و نهادینه‌شده علیه زنان در بازار کار ایران است.

نتیجه این تبعیض، نرخ مشارکت اقتصادی بسیار پایین زنان است. بر اساس آمارهای رسمی، تنها حدود ۱۴ درصد زنان ایرانی در زمره نیروی کار قرار می‌گیرند، در حالی که این رقم برای مردان حدود ۶۴ درصد است — نرخی که حتی از میانگین ۲۰ درصدی زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا نیز پایین‌تر است. نرخ بیکاری زنان نیز حدود دو برابر مردان است.



ب) تبعیض دستمزدی و دریافت حقوق پایین‌تر

یک باور رایج و تکان‌دهنده در جامعه ایران که به راحتی شنیده می‌شود این عبارت است: «کارمند، منشی، کارگر زن استخدام کن تا حقوق کمتری به او پرداخت کنی». این باور، که نه تنها در عمل کارفرمایان بلکه در ناخودآگاه جمعی جامعه رسوخ کرده است، نشان‌دهنده عمق تبعیض مزدی علیه زنان است.

زنان، از جمله زنان سرپرست خانوار، اغلب با حقوق و دستمزد کمتری نسبت به مردانی که در موقعیت مشابه کار می‌کنند، استخدام می‌شوند. این تبعیض مزدی حتی در سطوح مدیریت میانی و ارشد نیز مشاهده می‌شود — زنان در موقعیت مشابه، دستمزدهای کمتری دریافت می‌کنند. برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که دستمزد زنان در برخی مشاغل غیررسمی حتی به کمتر از یک سوم حداقل دستمزد مصوب نیز می‌رسد.

برای زنان سرپرست خانوار که به تنهایی نان‌آور خانواده هستند، این تبعیض مزدی معنایی بسیار عمیق‌تر از نابرابری صرف دارد — به معنای ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه فرزندان، افزایش فشار اقتصادی و باقی ماندن در چرخه فقر است.

ج) اشتغال در بخش غیررسمی، بدون قرارداد و فاقد حمایت‌های قانونی

شاید بزرگترین مشکلی که زنان سرپرست خانوار در محیط کار با آن مواجه هستند، قرار گرفتن در دام اشتغال غیررسمی است. بدترین بخش از آنجاست که زنان «بیشتر به صورت غیر رسمی و روز مزدی و گاه بدون هیچ قراردادی استخدام می‌شوند که این روند تحت قوانین وزارت کار نیست و منحصراً به توافق بین کارفرما و کارگر بستگی دارد؛ توافقی که در نهایت زیان آن به کارگران زن می‌رسد.»

بخش خدمات که اصلی‌ترین حوزه اشتغال زنان است، «تقریباً بی‌ضابطه‌ترین بخش‌های کارگری کشور» توصیف شده است. زنانی که به عنوان فروشنده، منشی، تمیزکار و مشاغل مشابه مشغول به کار می‌شوند، اغلب «در شرایطی مشغول کار هستند که شامل هیچ نوع بیمه نمی‌شوند، آنان ناچار به تحمل اضافه‌کاری اجباری هستند که گاه حتی هزینه آن را نیز دریافت نمی‌کنند و تقریباً هیچ کدام از حقوق منطبق با قوانین وزارت کار را نیز دارا نیستند.»

بر اساس آمار سازمان بین‌المللی کار، بیش از ۶۰ درصد زنان شاغل در ایران در بخش غیررسمی اقتصاد فعالیت می‌کنند جایی که هیچگونه حمایت قانونی یا بیمه‌ای وجود ندارد. از میان ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار زن شاغل در ایران، تنها حدود ۱.۶ میلیون نفر در مشاغل رسمی مشغول به کار هستند — یعنی بیش از ۲.۷ میلیون زن در مشاغل غیررسمی و بدون حمایت کار می‌کنند

د) فشار مضاعف اضافه‌کاری اجباری

زنان کارگر، به ویژه مادران سرپرست خانوار، درگیر اضافه‌کاری اجباری هستند. این بدان معناست که کارفرمایان بدون رضایت واقعی و با ابزارهای فشار، زنان را وادار به کار در ساعات اضافی می‌کنند. گاه حتی



هزینه این اضافه‌کاری نیز به آنان پرداخت نمی‌شود. این شرایط برای زنی که خود مسئولیت مراقبت از فرزندان و اداره خانه را نیز به تنهایی بر عهده دارد، فشاری تقریباً غیرقابل تحمل ایجاد می‌کند.

ه) فقر بیمه و محرومیت از پوشش تأمین اجتماعی

محرومیت از بیمه یکی از جدی‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار در محیط کار است. همان‌طور که در گزارش پیشین اشاره شد، حدود نیمی از این زنان فاقد هرگونه پوشش بیمه هستند.

بسیاری از زنان کارگر و شاغل «از حق داشتن بیمه‌های خدمات درمان و تأمین اجتماعی محروم هستند». این محرومیت در دوره‌های بحرانی مانند بیماری، بارداری، ازکارافتادگی یا بیکاری، آنان را در برابر فقر مطلق و فروپاشی خانواده آسیب‌پذیر می‌کند. بیمه بیکاری کوتاه‌مدت ویژه زنان سرپرست خانوار حتی در دوره‌های کوتاه می‌تواند از فروپاشی مالی خانوار جلوگیری کند، اما در حال حاضر چنین پوششی وجود ندارد.

زنان سرپرست خانوار که در بازار کار غیررسمی حضور دارند، «غالباً با کمبود سابقه بیمه مواجه می‌شوند. این کمبود می‌تواند منجر به کاهش مستمری بازنشستگی و نداشتن پوشش کافی در دوران پیری شود». برای زنی که در دوران میانسالی خود را تنها و بدون حمایت مالی می‌یابد، نبود سابقه بیمه کافی به معنای محکومیت به فقر در دوران سالمندی است.

و) آزار و خشونت در محیط کار

زنان شاغل در ایران با «خشونت، آزار، تبعیض مزدی و ساختارهای مردسالارانه‌ای که زنان شاغل را زیر فشار و ناامنی شغلی قرار می‌دهد» مواجه هستند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که «کارگران زن علاوه بر اینکه همانند مردان کارگر مورد استثمار و حشيانه سرمایه‌داران قرار می‌گیرند، تبعیض و نابرابری و تحقیر زنان به دلیل جنسیتی مضاعف و حتی شدیدتر است»

این آزارها می‌تواند از توهین و تحقیر کلامی تا سوءاستفاده‌های جدی‌تر را شامل شود. «اکثر زنان سرپرست خانوار از طعنه‌ها و متلک‌های اهالی محل معذب بوده و در معرض انواع سوء نیت‌ها و آزارهای دیگران واقع شده‌اند». این آزارها در محیط کار نیز ادامه می‌یابد و فشار روانی مضاعفی را بر این زنان وارد می‌کند

ز) تعارض نقش و فشار روانی

زنان سرپرست خانوار در تعارضی دائمی میان دو نقش سنگین گرفتارند: از یک سو مسئولیت تأمین درآمد و نان‌آوری خانواده، از سوی دیگر مسئولیت کامل تربیت فرزندان و اداره خانه. برخلاف مردان سرپرست خانوار که معمولاً همسری در خانه دارند که بار مسئولیت‌های خانگی را کاهش می‌دهد، زنان سرپرست خانوار هیچ شریکی در این مسیر ندارند.



این وضعیت آنان را «در معرض وابستگی و خشونت‌های پنهان قرار می‌دهد». فشار روانی ناشی از این تعارض نقش، همراه با ناامنی شغلی، کمبود درآمد و نگرانی از آینده فرزندان، ترکیبی طاقت‌فرسا از تنش‌ها را ایجاد می‌کند که بسیاری از سلامت روان این زنان را به شدت تهدید می‌نماید.

ح) محدودیت در انتخاب شغل و مشاغل سخت و زیان‌آور

قانون کار ایران به موجب ماده ۷۵، انجام کارهای سخت و زیان‌آور را برای کارپذیران خانم ممنوع اعلام کرده است. این محدودیت که ظاهراً با هدف حفاظت از سلامت زنان وضع شده، در عمل دامنه انتخاب شغل برای زنان را محدود می‌کند و آنان را به مشاغل کم‌درآمدتر و اغلب ناامن‌تر از نظر شغلی سوق می‌دهد.

در عین حال، تناقضی آشکار در اینجا وجود دارد: برخی از زنان وادار می‌شوند «در کوره‌پزخانه‌ها، معادن و تونل‌ها، کشتارگاه‌ها، جوشکاری، شن‌پاشی با دستمزدهایی حتی کمتر از یک سوم حداقل دستمزد» کار کنند

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم!

مسعود پزشکیان بمناسبت روز کارگر، وعده انجام یکی از مطالبات مهم کارگران پیمانکاری مبنی بر حذف پیمانکاری ها را داد

صادق





مسعود پزشکیان بمناسبت روز کارگر، وعده انجام یکی از مطالبات مهم کارگران پیمانکاری مبنی بر حذف پیمانکاری ها را داد. وعده‌ای که با وجود گذشت ۲۰ سال از مطالبه آن توسط انبوه کارگران پیمانی، صدها اعتصاب و اعتراض، دولت، مجلس، دیوان عدالت اداری و دستگاه قضایی مانع از انجام آن شده‌اند. شرکتهای پیمانکاری در واقع نقشی بیش از دلالی در بازار کار ندارند، با این وجود سهم بزرگی از ارزش افزوده توسط کارگران را بدون اینکه زحمتی بکشند از آنها می‌دزدند و دعوای اصلی بر سر قطع این دزدی است.

صاحبان اکثر شرکتهای اصلی پیمانکاری از آفازاده‌ها و بستگان آنها هستند که کارهای یک شرکت و موسسه و پروژه را از وزیران و مدیران کل با سفارش مدیران ارشد حکومتی، نمایندگان مجلس، روحانیون صاحب پست و مقام، مقامات دستگاه قضایی، فرماندهان نظامی، استانداران و مقامات محلی می‌گیرند و گاهی تا چند رده آنها را با زد و بند با گرفتن مبالغی به اعوان و انصار خود واگذار می‌کنند در این میان هرکدام شان تکه‌ای از حقوق کارگر را به جیب می‌زنند و در نهایت مبلغ ناچیزی برای کارگر باقی می‌ماند.

عوامل و حامیان شرکتهای پیمانکاری در واقع خود در تمام نهادهای حکومتی حضور و نفوذ دارند. همین نفوذ باعث می‌شود که آنها مانع انحلال شرکتهای پیمانکاری که نقشی انگلی در تولید دارند بشوند. مجلس سالهاست که وعده تصویب لایحه رسمی کردن کارگران پیمانکاری را می‌دهد، لایحه‌ای نیز یک بار به تصویب رسانده اما اکثریت مجلس و همه ی دولتهای گذشته اساسا با انحلال این شرکتهای مخالفت نموده و جلوی اجرای آن را گرفته‌اند. حتی دولت رئیسی که با وعده فریبنده عدالت خواهی روی کار آمده بود، حاضر به حذف این شرکتهای نشد.

در دوره ریاست جمهوری پزشکیان نیز مانند همه ی دولتهای قبلی قوانین متعددی علیه حقوق کارگران به تصویب رسیده است که در نتیجه آنها وضعیت کارگران بدتر و آنها فقیرتر از پیش شده‌اند.

به واقع بی حقوق سازی طبقه کارگر و تشدید استثمار کارگران که سیاست همیشگی رژیم اسلامی از آغاز تا کنون بوده است نه تنها در دوره پزشکیان متوقف نشده، بلکه تشدید شده و سیاستهای کارگری دولت پزشکیان الهام گرفته از برنامه های اتاق بازرگانی بوده است.

روشن است که اتاق بازرگانی موافق حذف شرکتهای پیمانکاری و رسمی شدن کارگران پیمانی نیست. بهمین جهت اعلام حذف شرکتهای پیمانکاری و رسمی کردن کارگران شاغل با عملکرد تا کنونی دولت پزشکیان مغایرت دارد و نمی‌توان آنرا جدی گرفت و ولو اینکه پزشکیان شخصا از فراز سر دولت این تصمیم را گرفته باشد و قلبا قصد اجرای آن را داشته باشد، از اختیارات و توانایی لازم برای عملی کردن این وعده برخوردار نیست زیرا پای سالیانه صدها هزار میلیارد سود در میان است و حضور یک مافیای ذینفوذ در نهادهای قدرت که ۲۰ سال توانسته مانع از حذف شرکتهای پیمانکاری و دلال از بازار کار شوند. خود پزشکیان همه‌ی اینها را نیک می‌داند. در این جا این سوال پیش می‌آید که دلیل طرح این قضیه چیست؟

جواب نظر با سوابق سیاستهای ضد کارگری دولت و فشار سازمانهای کارفرمایی برای تغییر قانون بیمه، منجمد کردن دستمزدها در سال گذشته، قانونی کردن حذف مزایای مزدی، که عملا کارفرمایان دارند خودمختارانه بطور غیر قانونی با استفاده از فضای جنگی و امنیتی حاکم بر جامعه آن را پیش می‌برند نهفته



است است. دولت پزشکیان با این رفتار های غیر قانونی سازمانهای کارفرمایی و در خواستها آنها مخالف نیست، اما نگران پیامدهای واکنش های ، کارگران فقر زده خصوصا در شرایط کنونی است.

او در واقع یک وعده نسبه بدون پشتوانه می دهد تا بلکه بتواند چند امتیاز نقدی را که طبقه کارگر در مبارزات تاریخی و پر هزینه خود آنها را بدست آورده از طبقه کارگر بگیرد و تقدیم سرمایه داری رانتخوار و حریص بنماید. به وعده های دولتی که ظرف دوسال یکسره مجری سیاستهای اقتصادی و ضد کارگری اتاق بازرگانی ایران بوده است و طبقه مزد بگیر را به چنین فقر و فلاکتی رهنمون کرده، و به تبلیغات فریبکارانه ای که در این روزها عوامل آنها در تشکلهای حکومتی پیرامون این قضیه به راه انداخته اند نباید اعتماد کرد.

حذف شرکتهای پیمانکاری دلال کار و وظیفه خود کارگران شرکتهای پیمانکاری است که سالهاست در این راه مبارزه کرده و هزینه داده اند و تا قبل از جنگ تجاوزگرانه امریکا و اسرائیل با بر پایی اعتصابات و تظاهرات و راهپیمایی های چند هزار نفری داشتند این مبارزه را بخصوص در شرکتهای نفتی و پتروشیمی پیش می بردند. هم اکنون نیز هر کس صادقانه از خواست آنها برای انحلال شرکتهای پیمانی بکوشد و قصد فریب شان را نداشته باشد بعنوان بخشی از مبارزه شان حمایت خواهند کرد، اما نقد را با نسبه تاخت نخواهند زد و حاضر نخواهند شد حقوق مکتسبه خود را بابت یک حقوق نسبه دیگر معامله کنند.

برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

زنده و گسترده باد اتحاد و همبستگی کارگران!



مرگ و مصدومیت ۲۸ کارگر در دو حادثه؛ فاجعه ای دیگر در عسلویه و کردستان

روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت در پی وقوع دو حادثه جداگانه در عسلویه و کردستان، دست کم ۸ کارگر جان باختند و ۲۲ کارگر دیگر به شدت مصدوم شدند.



در حادثه نخست، واژگونی اتوبوس کارکنان مجتمع گاز پارس جنوبی در مسیر عسلویه-سیراف، منجر به مرگ ۶ کارگر و مصدومیت ۲۰ نفر شد. در حادثه‌های دیگر، سقوط دو کارگر جوان در دستگاه مخلوطکن کارخانه پرورش قارچ در روستای قلاجی مریوان، موجب مصدومیت شدید آنان شد.



علی نجاتی، فعال کارگری و کارگر بازنشسته نیشکر هفت‌تپه، در اظهاراتی درباره وضعیت معیشتی بازنشستگان و کارگران، شرایط اقتصادی امروز را برای مزدبگیران «سخت و نگران‌کننده» توصیف کرد.

او در گفتگو با وبسایت «قلمرو رفاه» تأکید کرده است که نه تنها بازنشستگان، بلکه کارگران، معلمان و کارمندان نیز با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی، در وضعیت دشواری قرار دارند.

نجاتی با اشاره به رشد قیمت کالاهای اساسی، هزینه‌های درمان و مسکن، این شرایط را «اسفبار» توصیف کرده و گفته است که دستمزدها در برابر تورم موجود توان پاسخگویی ندارند.

به گفته او، بازنشستگان تأمین اجتماعی در سال‌های گذشته بارها نسبت به این وضعیت اعتراض کرده‌اند، اما به اعتقادش «صدای آنان از سوی مسئولان شنیده نشده است».

این فعال کارگری حداقل دستمزد ماهانه حدود ۱۶ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان را — که با مزایا تا حدود ۲۳ میلیون تومان می‌رسد — «زیر خط فقر» دانسته و بر ناکافی بودن آن برای تأمین هزینه‌های زندگی تأکید کرده است.

نجاتی همچنین با اشاره به مشکلات ساختاری در سازمان تأمین اجتماعی گفته است که بدهی‌های سنگین دولت، کمبود منابع و کاهش ورودی صندوق به دلیل تعطیلی یا رکود برخی واحدهای تولیدی، فشار مضاعفی بر این نهاد وارد کرده است.

او در ادامه تأکید کرده است: «تنها راه پیش روی بازنشستگان اعتراض است.» به گفته او، اگرچه در شرایط فعلی تلاش‌هایی برای پیگیری مطالبات از طریق گفت‌وگو با مسئولان در جریان است، اما در صورت بی‌نتیجه ماندن این روند، بازنشستگان ممکن است بار دیگر مطالبات خود را از طریق تجمعات خیابانی پیگیری کنند.



آخرین تلاش‌های سامسونگ برای جلوگیری از اعتصاب گسترده کارکنان؛

غول تکنولوژی مقابل اتحاد کارگران به زانو درمی‌آید؟

کارکنان سامسونگ در واحد هندوستان این شرکت کره‌ای به دلیل اختلاف بر سر نرخ پاداش‌ها، کارفرمایان خود را تهدید به اعتصاب کردند.

به گزارش ایلنا و به نقل از روزنامه تایمز هندوستان، کارگران واحد هندوستان سامسونگ، در جریان مذاکرات قراردادی و مزدی خود با این شرکت مطرح کره‌ای، مجدداً مانند سال گذشته دچار مشکل شدند.

شرکت تولید محصولات الکترونیک و تلفن همراه سامسونگ با اتحادیه کارکنان این شرکت وارد مذاکرات نهایی شده‌اند تا از اعتصاب سراسری ۱۸ روزه کارکنان واحد هند شرکت که از هفته آینده قرار است آغاز شود، جلوگیری کنند؛ اعتصابی که می‌تواند زنجیره جهانی تأمین تراشه‌های تلفن همراه را نیز دچار اختلال کند.

گفته می‌شود اختلاف اصلی کارگران و مدیران شرکت سامسونگ، بر سر پاداش عملکرد سالانه کارکنان (سنوات حقوقی) است.

اتحادیه صنفی کارکنان خواهان اختصاص سهمی از ۱۵٪ سود عملیاتی شرکت به کارکنان و حذف سقف پاداش‌هاست، اما سامسونگ این خواسته را از نظر مالی دشوار و تقریباً ناممکن می‌داند.

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد اعتصاب احتمالی کارکنان که شرکت در تلاش برای جلوگیری از تکرار آن مانند اعتصابات سال گذشته است، می‌تواند بیش از میلیون‌ها دلار از سود سالانه کل شرکت سامسونگ را کاهش دهد.

شرکت در تلاش است با مذاکره با مجموعه اتحادیه کارکنان هندی سامسونگ، به یک راه حل بینابینی دست یابد تا از اعتصاب جلوگیری کند؛ زیرا سال گذشته اعتصاب این کارکنان در غرب هند، منجر به درگیری‌های گسترده حقوقی و قضایی برای شرکت و کارگران و اختلال در کار و رشد سهام آن شد.



اعتراض بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرستان آبیک

جمعی از بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی شهرستان آبیک روز جمعه ۱۸ اردیبهشت ماه با صدور بیانیه‌ای نسبت به حذف شیفت شب درمانگاه شبانه‌روزی اعتراض کردند و خواستار بازگشت خدمات شبانه‌روزی این مرکز درمانی شدند.

در این بیانیه آمده است: شهرستان آبیک و مناطق اطراف با بیش از ۱۲۰ هزار نفر جمعیت، از کمبود امکانات درمانی رنج می‌برند و بخش قابل توجهی از جمعیت منطقه تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار دارند. امضاکنندگان تأکید کرده‌اند که بسیاری از بیماران ناچارند برای دریافت خدمات درمانی به شهرهای همجوار مراجعه کنند و کاهش خدمات مراکز ملکی تأمین اجتماعی، مشکلات درمانی مردم را تشدید خواهد کرد.



کارزار ۵ هزار فرهنگی بازنشسته در اعتراض به تبعیض/ رفاهیات نداریم

امضاکنندگان این کارزار با اشاره به جایگاه معلمان در جامعه، تأکید کرده‌اند که رسالت آموزشی و فرهنگی معلمان با بازنشستگی پایان نمی‌یابد و بی‌توجهی به مطالبات رفاهی آنان، نادیده گرفتن سالها خدمات علمی، آموزشی و تربیتی این قشر است.

در ادامه این کارزار آمده است که با توجه به اینکه مسئولیت امور بازنشستگان فرهنگی پس از بازنشستگی از حیطه وزارت آموزش و پرورش خارج شده و تحت پوشش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین



اجتماعی قرار می‌گیرد، انتظار می‌رود این نهادها با اجرای عدالت و رفع تبعیض، اقدامات لازم را برای پرداخت رفاهیات و هدایای مناسبی به بازنشستگان فرهنگی در دستور کار قرار دهند.



تغییر مبنای محاسبه مستمری، حقوق بازنشستگان را ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش می‌دهد/ دولت بدهی‌های خود به تأمین اجتماعی را بپردازد

یک فعال کارگری در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا با انتقاد از طرح‌های پیشنهادی برای تغییر در قوانین بازنشستگی اظهار کرد: به‌جای اصلاح ساختار و مدیریت صندوق تأمین اجتماعی، مسیر سیاست‌گذاری به سمت افزایش فشار بر بیمه‌پردازان و کاهش حقوق بازنشستگی در حال پیشروی است؛ موضوعی که می‌تواند مستمری بازنشستگان آینده را بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش دهد. تصریح کرد: وظیفه داریم نگرانی عمیق و اعتراض جامعه کارگری را نسبت به طرح‌هایی که موجب کاهش حقوق بازنشستگی کارگران می‌شود بیان کنیم. وی خاطرنشان کرد: اخیراً کمیسیون اصل نود و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مجدداً قصد افزایش فشار بر زندگی و معیشت بیش از نیمی از جامعه را دارند. با تغییر ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی و جایگزینی میانگین دوسال آخر پرداخت حق بیمه با میانگین تمام سنوات بازنشستگی، عملاً بین ۳۰ تا ۴۰ درصد از حقوق بازنشستگان آینده کاهش خواهد یافت



فقط کف خیابون به دست میاد حقمون



عدالت، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست!

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش. یکشنبه در مقابل سازمان تامین اجتماعی شوش اعتراض به شرایط بد معیشت و نبود عدالت اجتماعی. اعتراض به دستمزدهای ناچیز و نامناسب، اعتراض به نداشتن درمان و دارو و خدمات تامین اجتماعی. اعتراض به غارت و چپاول، اعتراض به گرانی و تورم افسارگسیخته، به فقر و سیاه روزی حاکم شده. اعتراض به تبعیض استثماری، ستم و نابرابری ها. اعتراض به نبود آزادی، اعتراض به شرایط بد زندگی، نبود آسایش و امنیت، رفاه و زندگی شایسته .
نابود باد بندگی، زنده باد زندگی

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

***برای تماس با نشریه " جنگ کارگری " متوانید با آدرس زیر تماس بگیرید :**

***" جنگ کارگری " نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را میتوانید در آدرس زیر ببینید :**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>